

نقش خود تفسیری در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان

مهدی عرب زاده^{*۱}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خود تفسیری در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان طراحی و انجام شد. مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. از میان جامعه دانشجویان دانشگاه خوارزمی واحد کرج در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، نمونه‌ای به حجم ۳۲۵ نفر (۲۲۳ دختر و ۱۰۲ پسر) به شیوه نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی انتخاب و به پرسشنامه خودتفسیری هاردین، لونگ و باوات و پرسشنامه حل مساله اجتماعی دزوریلا و نزو پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده ها با بهره گیری از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام در نرم افزار SPSSV۲۳ انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام حاکی از آن بود که خود تفسیری وابسته و مستقل با توانایی حل مساله اجتماعی رابطه مثبت و معنادار دارند و می توانند ۱۲ درصد از واریانس توانایی حل مساله اجتماعی را بطور مثبت و معنادار پیش بینی کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش باید عامل خودتفسیری به عنوان یک سازه‌ی فرهنگی در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: توانایی حل مساله اجتماعی، خودتفسیری مستقل، خودتفسیری وابسته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار روان شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: Mehdi_Arabzadeh@hotmail.com

مقدمه

دانشجویان در محیط دانشگاهی و خارج از آن با مسایل و مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند، برای حل موفقیت-آمیز آنها باید به مهارت حل مساله مجهز باشند. حل مسأله، مستلزم راهبردهای ویژه و هدفمندی است که فرد به وسیله آن مشکلات را تعریف می‌کند، تصمیم به اتخاذ راه‌حل می‌گیرد، راهبردهای حل مسأله را انجام داده و بر آن نظارت می‌کند (عرب زاده، کدیور و دلاور، ۱۳۹۳). هنگامی که از مهارت حل مسأله برای برطرف کردن مسائل بین فردی و مسائل اجتماعی استفاده می‌شود به آن مهارت حل مساله اجتماعی گفته می‌شود (دزوریلا، نزو و مادیو-لیورز، ۲۰۰۲). توانایی حل مسئله اجتماعی باعث افزایش سازگاری، افزایش عزت نفس، بهبود روابط اجتماعی با همسالان و بزرگسالان و افزایش توانایی حل بحران‌های مختلف زندگی می‌گردد (ال مریل، وی اسمیت، ام کیومینگ و پی دیونیک، ۲۰۱۶). بنابراین توجه به مهارت حل مساله اجتماعی دانشجویان دارای اهمیت وافر می‌باشد. حل مسئله اجتماعی به فرآیند شناختی - رفتاری اطلاق می‌شود که به وسیله آن فرد می‌خواهد برای حل مسایل روزمره، راه حل های موفقیت‌آمیزی را کشف و بکار گیرد؛ که شامل پنج گام است، ۱) شناسایی مساله موجود (۲) تعریف مساله (۳) تولید راه حل (۴) ارزیابی راه-حل ها و اجرای راه حل انتخاب شده (۵) ارزیابی نتیجه (نزو^۳، ۲۰۰۴).

این مهارت یک فرآیند گام به گام، منظم، تلاشمند و هدفمند می‌باشد (مریل و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به اهمیت این سازه تحقیقاتی زیادی پیرامون آن صورت گرفته است، اما در کمتر پژوهشی به عنوان متغیر ملاک یا وابسته مورد بررسی قرار گرفته است؛ به عنوان مثال بربرینا^۴ (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان داد که حل مسأله اجتماعی تحت تاثیر مهارت‌های شناختی و فراشناختی است. عربزاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که با آموزش راهبردهای خودگردانی (شناخت و فراشناخت) می‌توان مهارت حل مساله اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشید. بیرامی، هاشمی نصرت‌آبادی، علیزاده و علیزاده (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سبک های شناختی می‌تواند مهارت حل مساله اجتماعی دانش‌آموزان را پیش بینی کند.

مبانی پژوهشی نشان می‌دهد که توانایی حل مسایل اجتماعی به پاره ای از توانمندیهای شناختی، اجتماعی و فرهنگی فرد بستگی دارد که در این میان تفسیر فرد از خود در موقعیت های مختلف اهمیت وافر دارد (مرچنت^۵، ۲۰۱۰) که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اصطلاح خود تفسیری^۱ یا "مجموعه ای از افکار، احساسات

1 .D'Zurilla, Nezu, Maydeu-Olivares
2 . L. Merrill, W. Smith, M. Cumming & P. Daunic
3 . Nezu
4 . Barbarena
5 . Merrchant

و اعمال مربوط به ارتباط شخص با دیگران و ارتباط شخص به عنوان فردی متمایز از دیگران" (سینگلس^۲، ۱۹۹۴) توسط مارکوس و کیتایاما^۳ (۱۹۹۱) معرفی شده است؛ که خود توصیفی و معنا دادن فرد به خود در رابطه با دیگران را توضیح می دهد؛ خود تفسیری بر الگوهای رفتاری، شناختی و عملکرد زیبایی شناختی و تعاملات اجتماعی افراد تاثیر می گذارد. به طور کلی خود تفسیری چگونگی تعریف و معنا دادن به خود است و اینکه افراد خود را در جمع چگونه می بینند و تعریف می کنند (کراس، هاردین و سوینگ^۴، ۲۰۱۱).

این مفهوم در دو بعد اصلی، مستقل و وابسته تعریف شده است، که خود تفسیری مستقل^۵ که خود را به صورت مستقل و خود مختار و فرد گرا معرفی می کند (مارکوس و همکاران، ۱۹۹۱) که نشان می دهد که خود تفسیری مستقل به عنوان محدود، فردی و جدا از زمینه اجتماعی تعریف شده است و بیشتر بر توانایی، افکار و احساسات درونی و همچنین منحصر به فرد بودن و ابراز خود تاکید دارد، افراد این گروه بیشتر بر قدرت درونی و ارتقا اهداف خود ارزش قائلند. در مقابل خود تفسیری وابسته^۶ به یک فرد در ارتباط با دیگران اشاره می کند؛ بنابراین می توان آن را یک جامعه اجتماعی، جامع و جمعی دانست. ویژگی اصلی آن این است که رفتار مردم در رابطه با دیگران تعیین و سازمان می یابد، که بیشتر بر جنبه های اجتماعی مانند نقش ها، تعلق و نزدیکی، ارتباط مستقیم با دیگران تاکید دارد. به عنوان مثال، یک شخص با خود تفسیری مستقل ممکن است خود را به عنوان فردی "هوشمند" یا ممتاز تعریف کند، که موجب می شود خود را بیشتر در موقعیت های رقابتی قرار دهد (اوتزل^۷، ۱۹۹۸). خودشناسی افراد با خود تفسیری وابسته به شدت به عضویت در گروه و روابط صمیمی با دیگران وابسته است و خود را بخشی از یک گروه می دانند. ممکن است این افراد خود را به عنوان عضوی از یک قوم یا جامعه بزرگ توصیف کنند و نقش اجتماعی که در این گروه ها دارند بخش معنادار و مهمی در شکل گیری هویت آنهاست و فقط بخاطر عضویت در یک جامعه نخبه خود را هوشمند تلقی می کنند (داود، آرتیستیکو^۸، ۲۰۱۶).

تحقیقات مختلف نشان می دهند که خود تفسیری بر شناخت، هیجانات و رفتار افراد تاثیر گذار است. به عنوان مثال: خود تفسیری در پردازش اطلاعات افراد مورد مطالعه قرار گرفت و نشان داده شد که تغییر در خود تفسیری از طریق تفاوت در توجه به زمینه یا روابط و سبک های متفاوت پردازش اطلاعات بر شناخت تاثیر می گذارد (کراس و

1. Self construal

2. Singelis

3. Markus & Kitayama

4. Cross, Hardin & Swing

5. Independent self construal

6. Interdependent self construal

7. Oetzel

8. Dowd & Artistic

همکاران، ۲۰۱۱) به عنوان مثال افرادی با خودتفسیری وابسته بالا بیشتر خود را از دیدگاه اجتماعی توصیف می-کنند (روابط نزدیک، عضویت در گروه).

مطالعه دیگری که توسط همیلتون و بهال^۱ (۲۰۰۵) انجام شد نشان داد که افراد با خودتفسیری وابسته انتخاب های امن بیشتر و معمولا در حد استانداردهای اجتماعی دارند ولی افراد با خودتفسیری مستقل بیشتر بر اساس ارتقا شخصی تصمیم گیری می کنند، صرف نظر از اینکه این انتخاب بر اساس هنجارهای جامعه باشد. بنابراین افراد با خودتفسیری وابسته طبیعت محافظه کارانه ای دارند و وظیفه گرا هستند و اهدافی با کمترین مشکلات نسبت به بیشترین دست آوردها را ترجیح می دهند و انتخاب این افراد محتاطانه و کم خطر است. ولی افرادی با خودتفسیری مستقل به نفع شخصی خود صرف نظر از هنجارهای جامعه اهمیت می دهد و انتخاب های این افراد با عدم احتیاط و ریسک پذیری همراه است.

مارکوس و کیتایاما (۲۰۱۰) به طور مستقیم بیان نکرده اند، اما بررسی نشان می دهد که افراد وابسته احساسات همدلی و توجه بیشتری نسبت به دیگران دارند و سازگاری بیشتری نسبت به دیگر افراد از خود نشان می دهند. نزلک، کافتسیوس^۲ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند در انگلستان تجارب عاطفی روزانه (شادی، شور و شوق و فعالیت) با ویژگی های خودتفسیری مستقل مرتبط بود ولی در یونان تجربیات عاطفی روزانه با ویژگی های خودتفسیری وابسته مرتبط بود. در پژوهش یابرا و ترافیمو^۳ (۱۹۹۸) نشان داده شد که خودتفسیری وابسته میزان رفتار تکانشی را کاهش می-دهد، همان طور که افراد تصمیم گیری را بر مبنای هنجارهای گروهی انجام می دهند تصمیم باید ایمن باشد تا مورد قبول گروه قرار گیرد. در مقابل افرادی با خودتفسیری مستقل بیشتر بر اساس انتخاب و نگرش های شخصی تا نگرش ها و ترجیحات افراد دیگر عمل می کنند. همانطور که متون پژوهشی نشان داد خودتفسیری مستقل و وابسته بر شناخت، هیجان و رفتار افراد تاثیر می گذارند و با توجه به اینکه توانایی حل مساله اجتماعی یک فرآیند شناختی- رفتاری و هیجانی است؛ احتمالا توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان می تواند متأثر از خودتفسیری آنها باشد.

واضح است که توجه به توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان به دلیل افزایش سازگاری، افزایش عزت نفس، بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت تحصیلی و یادگیری آنها، ضروری به نظر می رسد. بنابراین، شناسایی متغیرهای اثرگذار بر توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان، از اولویت های مهم پژوهشی بشمار می رود. بر اساس متون پژوهشی مطالعاتی برای یافتن عوامل مرتبط با توانایی حل مساله اجتماعی انجام شده است؛ اما در اکثر مطالعات گذشته توانایی حل مساله

1. Hamilton, Bichal

2. Nezlek, J. B., K. Kafetsios

3. Ybarra, Trafimow

اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است در صورتی که در این مطالعه به عنوان متغیر وابسته یا ملاک می باشد؛ علاوه بر این در پژوهش حاضر، برای اولین بار تعامل یک سازه‌ی فرهنگی با توانایی حل مساله اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خودتفسیری مستقل و وابسته در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان طراحی و انجام شد و بدنبال بررسی این سوال است که آیا خودتفسیری مستقل و وابسته می‌توانند توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان را پیش بینی نمایند؟

روش شناسی

مطالعه حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه خوارزمی واحد کرج در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دادند که طبق جدول کرجسی و مورگان^۱ ۳۲۵ نفر (۲۲۳ دختر و ۱۰۲ پسر) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که از دانشگاه، سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس از بین کلاسهای هر کدام از این دانشکده‌ها، چهار کلاس انتخاب و دانشجویان آن کلاسها به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

پرسشنامه توانایی حل مسئله اجتماعی (SPSI^۲) ابزاری به منظور اندازه‌گیری مهارتهای حل مسئله اجتماعی توسط دزوریلا^۳ و همکاران (۲۰۰۲) طراحی و ساخته شده است. فرم کوتاه تجدید نظر شده پرسشنامه حل مسئله اجتماعی یک مقیاس خودگزارش دهی برای اندازه‌گیری مهارتهای حل مسئله اجتماعی است که توسط مخبری (۱۳۸۸) ترجمه و اعتباریابی مقدماتی شده است. این مقیاس مبتنی بر کار قبلی (دزوریلا و نزو^۴، ۲۰۰۲) است که مؤلفه‌های عمده مدل نظری نظری حل مسئله اجتماعی را بررسی و اندازه‌گیری می‌کند. فرم بلند این مقیاس دارای ۵۲ سوال است و ۵ خرده مقیاس دارد. اما فرم کوتاه آن دارای ۵ خرده مقیاس اما شامل ۲۵ سوال است و روی مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست تا کاملاً درست نمره گذاری می‌شود. دو خرده مقیاس، جهت‌گیری حل مسئله را اندازه‌گیری می‌کند؛ یعنی جهت‌گیری مثبت حل مسئله به وسیله سؤالات (۷ و ۱۴) و جهت‌گیری منفی حل مسئله به وسیله سؤالات (۲ و ۴ و ۹ و ۱۳ و ۲۲). سه خرده مقیاس آن نیز سبک حل مسئله اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. سبک منطقی حل مسئله به وسیله سؤالات (۸ و ۳ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵) اندازه‌گیری می‌شود. سبک اجتنابی حل مسئله به وسیله سؤالات (۱ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۷ و ۱۸) و سبک تکانشی حل مسئله به وسیله سؤالات (۶ و ۱۱ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۳) اندازه‌گیری می‌شود. دو خرده مقیاس جهت‌گیری مثبت حل

1 . krejcie & morgan
2 . Social problem solving inventory
3 . D'Zurilla
4 . Nezu

مسئله و سبک منطقی حل مسئله، حل مسئله سازنده و کارا را اندازه گیری می کند و سه خرده مقیاس باقی مانده حل مسئله غیر عادی و ناقص را اندازه گیری می کند. جهت یابی مثبت مسئله به عنوان مجموعه سازنده و شناختی حل مسئله توصیف می شود و جهت یابی منفی مسئله یک مجموعه احساس شناختی جلوگیری کننده یا بدکارکردی است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۲).

دو خرده مقیاس حل مسئله سازنده و کارا به صورت مثبت نمره گذاری می شوند اما خرده مقیاسهای بدکارکردی بصورت منفی نمره گذاری می شوند. برای بدست آوردن نمره خرده مقیاسهای بدکارکردی می توان گفت که نتیجه این مقیاسها، نمره های وارونه ای هستند که از تفریق نمرات حقیقی از بالاترین نمره احتمالی بدست می آید. برای بدست آوردن نمره کل مقیاس باید نمره هر خرده مقیاس را بر تعداد سوالهای خود خرده مقیاس تقسیم کرد تا همه خرده مقیاسها بطور یکسان در نمره نهایی مشارکت داشته باشند. نمره بالا نشان دهنده حل آسان، کارا و سازنده مسئله است در حالیکه نمره پایین نشان دهنده حل ناقص، ناکارآمد و بدکارکردی مسئله است (مخبری، ۱۳۸۸).

پایایی آزمون مجدد برای این پرسشنامه بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ و ضریب آلفای کرانباخ آن بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۰). روایی سازه این پرسشنامه نیز با استفاده از تحلیل اکتشافی و همبستگی با دیگر مقیاسهای حل مسئله و سازه های روانشناختی همپوش، تأیید شده است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۰). مخبری (۱۳۸۸) سطح آلفای کرانباخ را برای خرده مقیاس جهت گیری منفی حل مسئله، ۰/۷۶، برای خرده مقیاس جهت گیری مثبت حل مسئله، ۰/۷۵، برای خرده مقیاس سبک اجتنابی حل مسئله، ۰/۷۷، برای خرده مقیاس سبک منطقی حل مسئله، ۰/۶۷، برای خرده مقیاس تکانشی - بی توجهی حل مسئله، ۰/۶۶ و همچنین برای کل مقیاس ۰/۷۴ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، پایایی خرده مقیاسها و کل ابزار بر اساس آلفای کرونباخ بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۶ بدست آمد.

ب. پرسشنامه خود تفسیری: در این مطالعه از پرسشنامه ۳۰ سوالی و مدل ۶ عاملی هاردین، لونگ و باوات (۲۰۰۴) استفاده شده است. مجموع چهار تای این عوامل خود تفسیری مستقل هستند: خودمختاری / ابراز وجود (۷ گویه)، فردگرایی ثبات رفتاری (۶ گویه)، تقدم خود (۳ گویه)، و دو عامل دیگر خرده مقیاس وابسته: عامل رعایت ارزش های گروه (۱۰ گویه) و عامل وابستگی به رابطه (۴ گویه). آن ها پایایی ابزار را بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۰ گزارش کرده اند؛ الوندی، کدیور و عرب زاده (۱۳۹۶) پایایی این ابزار را بین ۰/۵۲ تا ۰/۷۱ گزارش کرده اند. پاسخ ها بر اساس یک طیف لیکرت ۷ درجه ای تدوین شده اند. پاسخ دهندگان موافقت خود را با هر یک از سوالات، با مقیاس لیکرت ۷ درجه ای، از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان دادند. نمرات بالاتر نشان دهنده خود تفسیری بالاتری می باشد (الوندی و

همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس خودتفسیری مستقل ۰/۸۲ و مقیاس خودتفسیری وابسته ۰/۷۹ بدست آمد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش، جهت بیان شاخص های توصیفی از میانگین، انحراف معیار و جهت بررسی روابط بین متغیرها از تحلیل همبستگی و جهت پیش بینی میزان سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در پیش بینی متغیر ملاک از روش آمار استنباطی (تحلیل رگرسیون گام به گام) با استفاده از نرم افزار ۲۳ spss استفاده شده است.

یافته ها

در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
خودتفسیری مستقل	۳۲۵	۴۹/۲۸	۳/۷۱
خودتفسیری وابسته	۳۲۵	۴۴/۲۱	۲/۹۲
توانایی حل مساله اجتماعی	۳۲۵	۱۶/۷۲	۴/۲۰

جدول فوق میانگین نمرات شرکت کنندگان را متغیرهای خودتفسیری مستقل (۴۹/۲۸)، وابسته (۴۴/۲۱) و توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان (۱۶/۷۲) را نشان می دهد. قبل از بررسی سوال پژوهش، پیش فرض های مهم انجام تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. سنجش پیش فرض های رگرسیون خطی

متغیرها	نرمال بودن	خطی بودن
خودتفسیری مستقل	کجی -۰/۶۹	کشیدگی -۰/۲۶
خودتفسیری وابسته	-۰/۳۴	-۰/۶۵
توانایی حل مساله اجتماعی	-۰/۸۶	۱/۱۵
	VIF	Tolerance
	۱/۰۹	۰/۹۵
	۱/۰۱	۰/۹۸

با توجه به اطلاعات جدول بالا می توان دریافت به دلیل اینکه تمامی ضرایب کجی و کشیدگی در بازه (۲ الی -۲) است لذا نرمال بودن داده ها صادق هست و همچنین برای سنجش خطی بودن رابطه از آزمون تورم واریانس با در نظر گرفتن میزان تحمل داده ها استفاده شد که نتایج این آزمون (با توجه به اینکه همگی در شاخص تورم واریانس کمتر از

عدد ۲ هستند) نشان داد ارتباط بین متغیر های مستقل خطی نیست و شرایط برای استفاده از رگرسیون خطی فراهم است.

با توجه به برقرار بودن مفروضه ها، سوال پژوهش در ادامه مورد بررسی قرار گرفت. جدول شماره ۳ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۳	۲	۱	
		۱	خودتفسیری مستقل
	۱	-۰/۵۲**	خودتفسیری وابسته
۱	۰/۱۷**	۰/۱۴*	توانایی حل مساله اجتماعی

$P < ۰/۰۱$ **

$P < ۰/۰۵$ *

بر اساس اطلاعات جدول ۳ ملاحظه می شود که توانایی حل مساله اجتماعی با خودتفسیری مستقل و خودتفسیری وابسته رابطه ای مثبت و معنادار دارد.

جدول شماره ۴ خلاصه تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول ۴. خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام

مرحله ورود	متغیر وارد شده به معادله	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	F	سطح معناداری
۱	خودتفسیری وابسته	۰/۱۷	۰/۰۸	۸/۹۳	۰/۰۰۱
۲	خودتفسیری مستقل	۰/۲۲	۰/۱۲	۷/۷۹	۰/۰۰۱

بر اساس جدول بالا در مرحله اول خودتفسیری وابسته وارد معادله گردیده است و ۸ درصد از تغییرات توانایی حل مساله اجتماعی را تبیین نموده است؛ در مرحله دوم خودتفسیری مستقل به معادله وارد شده است و ضریب همبستگی چندگانه به ۱۲ درصد افزایش پیدا کرده است. این دو متغیر با هم ۱۲ درصد از توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان را تبیین می نمایند.

بر اساس آماره F و سطح معناداری آن در جدول فوق که به این سؤال پاسخ می دهد که آیا مقدار واریانس تبیین شده توسط متغیر(های) پیش بین به لحاظ آماری معنادار می باشد یا خیر، ملاحظه می گردد که با توجه به مقدار آن برای مرحله اول ($F = ۸/۹۳$)، و مرحله دوم ($F = ۷/۷۹$)، که میزان ضرایب همبستگی چندگانه و ضریب تبیین بدست آمده معنادار می باشند. تأثیر هر یک از متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی بر متغیر توانایی حل مساله اجتماعی در جدول شماره ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بین

سطح معناداری	آماره T	ضرایب استاندارد		
		β		
۰/۰۰۱	۲/۹۹	۰/۱۷		خودتفسیری وابسته
۰/۰۰۱	۲/۵۴	۰/۱۴		خودتفسیری مستقل

بر اساس اطلاعات جدول ۵ و مقدار ضریب استاندارد β ملاحظه می‌شود که تأثیر خودتفسیری وابسته و مستقل در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی، مثبت و به ترتیب ۰/۱۷ و ۰/۱۴ بوده است که با توجه به مقادیر آزمون t و سطح معناداری آن که در جدول ارائه شده است، هر دوی این مقادیر معنادار هستند. مقدار β برای این دو مولفه نشان می‌دهد که در صورت ثابت بودن سایر شرایط با افزایش یک واحد در خودتفسیری وابسته و مستقل به ترتیب به اندازه ۰/۱۷ و ۰/۱۴ واحد افزایش در نمره توانایی حل مساله اجتماعی رخ می‌دهد.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش خود تفسیری مستقل و وابسته در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام حاکی از آن بود که توانایی حل مساله اجتماعی با خودتفسیری مستقل و خودتفسیری وابسته رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام نیز حاکی از آن بود که خود تفسیری وابسته و مستقل می‌توانند، ۱۲ درصد واریانس توانایی حل مساله اجتماعی دانشجویان را بطور مثبت و معنادار پیش بینی کنند. اگر چه مقدار بدست آمده خیلی زیاد نمی‌باشد اما از نظر آماری معنادار و قابل توجه است. به برخی از نتایج مطالعات پیشین که همسو با یافته‌های این مطالعه بطور غیرمستقیم هستند، اشاره می‌شود.

کراس و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود دریافتند که تغییر در خودتفسیری از طریق تفاوت در توجه به زمینه یا روابط و سبک های متفاوت پردازش اطلاعات بر شناخت و حل مساله تاثیر می‌گذارد. همیلتون و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که افراد با خودتفسیری وابسته در برابر حل مسایل، راه حل های امن و متناسب با هنجارهای جامعه را انتخاب می‌کنند. در همین راستا یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان داد که سهم خودتفسیری وابسته در پیش بینی توانایی حل مساله اجتماعی در فرهنگ ایرانی که یک فرهنگ جمع گرا می‌باشد بیشتر است، در تبیین این یافته می‌توان این چنین بیان کرد؛ پژوهش یابرا و همکاران (۱۹۹۸) نشان داد که خودتفسیری وابسته میزان رفتار تکانشی را کاهش می‌دهد؛ از طرف

دیگر نزو(۲۰۰۴) بیان می کند که راه حل مساله می تواند مؤثر یا بی اثر باشد؛ راه حل بی اثر یک راه حل انعطاف ناپذیر و تکانشی است که یک تلاش بی فایده است؛ بنابراین خودتفسیری وابسته از طریق کاهش رفتار تکانشی می تواند راه حل مؤثر را در افراد به جای راه حل بی اثر تقویت نماید.

همچنین می توان گفت مسئله اجتماعی می تواند به صورت بین فردی، درون فردی و غیر شخصی باشد(نزو،۲۰۰۴)؛ از طرف دیگر دانشجویان وابسته به دلیل اینکه خود را به عنوان عضوی از یک روابط اجتماعی می بیند و رفتار خود را بر حسب روابط اجتماعی سازماندهی می کنند؛ و دارای یک ساختار منعطف و متغیر هستند؛ احتمالاً در حل مسایل اجتماعی بین فردی (مثلاً قرض دادن به دوستی که او قادر به پرداخت آن نمی باشد) و غیر شخصی (مثلاً به اندازه کافی غذا برای خوردن نداشتن) موفق تر عمل می کنند؛ در همین راستا دانشجویان مستقل به دلیل اینکه خود را مجزا از زمینه اجتماعی تعریف می کنند و دارای یک ساختار محدود، یکپارچه و ثابت هستند احتمالاً در حل مسایل اجتماعی درون فردی موفق تر باشند. بنابراین هر دو نوع خودتفسیری در حل مسایل اجتماعی دانشجویان می تواند تاثیر گذار باشد.

در نهایت می توان گفت تحقیقات زیادی نشان می دهند که خودتفسیری مستقل و وابسته بر شناخت، هیجان، رفتار و خودکارآمدی افراد تاثیر می گذارند(مارکوس و همکاران،۲۰۱۰؛ نزلک و همکاران،۲۰۰۸). از طرف دیگر جهت گیری مثبت حل مسئله شامل آگاهی شناختی- عاطفی و مدیریت هیجانات است. این نوع جهت گیری، خود کارآمدی حل مسئله و تلاش واقع بینانه را در فرد افزایش می دهد(نزو،۲۰۰۴)؛ بنابراین احتمالاً خودتفسیری وابسته با افزایش خودکارآمدی اجتماعی و خودتفسیری مستقل با افزایش خودکارآمدی فردی می توانند جهت گیری مثبت حل مساله را دانشجویان تقویت کنند.

با توجه به اینکه این مطالعه بر روی دانشجویان دانشگاه خوارزمی انجام شده است، تعمیم نتایج آن به دیگر دانشجویان بایستی با احتیاط صورت گیرد. با توجه به یافته های حاصل از این مطالعه پیشنهاد می گردد، در پژوهش های آتی این مطالعه در فرهنگ های فردگرا نیز تکرار شود و نتایج آن با این مطالعه مقایسه گردد.

منابع

- الوندی فر، س؛ کدیور، پ؛ عرب زاده، م. (۱۳۹۶). بررسی نقش واسطه ای خود تفسیری در رابطه بین عزت نفس و خلاقیت در دانش آموزان پسر سال سوم شهر کرج. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۷(۳)، ۱۶۳-۱۹۴.
- بیرامی، م؛ هاشمی نصرت آبادی، ت؛ علیزاده گورادل، ج؛ علیزاده، ح. (۱۳۹۱). پیش‌بینی توان حل مسأله اجتماعی بر اساس سبک‌های شناختی در جمعیت دانشجویی. شناخت اجتماعی، ۱(۱)، ۷۷-۸۴.
- منجری، ع. (۱۳۸۸). "هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسأله اجتماعی و نقش آن در تبیین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عریزاده، م؛ کدیور، پ؛ دلاور، ع. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودگردان بر مهارت حل مسأله اجتماعی دانش‌آموزان. شناخت اجتماعی، ویژه‌نامه، ۸۲-۷۱.
- Berberena, S. (2009). Investigating the Relation between Dimensions of Perfectionism and Social Problem-Solving. Master's thesis, Central Connecticut State University.
- Cross, S. E., E. E. Hardin, et al. (2011). "The What, How, Why, and Where of Self-Construal." *Personality & Social Psychology Review* (Sage Publications Inc.) 15(2): 142-179.
- D'Zurilla, T. J.; Nezu, A. M. and Maydeu-Olivares, A. (2002). *Social Problem-Solving Inventory-Revised. Technical Manual*. North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems.
- Dowd, S. M., & Artistic, D. (2016). Type and strength of self-construal interact with the influence of anchoring heuristics in appraisals of self-efficacy. *Learning and Individual Differences*, 49, 400-405.
- Hamilton, R. W. and G. J. Biehal (2005). "Achieving Your Goals or Protecting Their Future? The Effects of Self-View on Goals and Choices." *Journal of Consumer Research* 32(2): 277-283.
- Hardin, E. E., Leong, F. T. L., & Bhagwat, A. (2004). Factor structure of the Self-Construal Scale: Implications for the multi-dimensionality of self-construal. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35, 327-345.
- L. Merrill, K., W. Smith, S., M. Cumming, M., P. Daunic, A. (2016). Review of Social Problem-Solving Interventions: Past Findings, Current Status, and Future Directions. *Review of Educational Research*, 87(1), 71-102.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98, 224-253.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (2010). Culture and selves: A cycle of mutual constitution. *Perspectives on Psychological Science*, 5 (4), 420– 430.
- Merrchant, J. S. (2010). *Self-Construal and Insight Problem Solving*. Master's thesis, Department of Psychology Seton Hall University.
- Nezlek, J. B., K. Kafetsios, et al. (2008). Emotions in Everyday Social Encounters: Correspondence between Culture and Self-Construal. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 39(4), 366-372.
- Nezu, A. M. (2004). Problem solving and behavior therapy revisited. *Behavior Therapy*, 35, 1–33.
- Oetzel, J. G. (1998). The effects of self-construals and ethnicity on self-reported conflict styles. *Communication Reports*, 11, 133–144.

Singelis, T. M. (1994). The measurement of independent and interdependent self-construals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20, 580-591.

Ybarra, O. and David, T. (1998). "How priming the private self or collective self affects the relative weights of attitudes and subjective norms. *Personality and Social Psychology Bulletin* 24(4), 362-370.

The Role of Self-Construal in predicting social problem solving ability Of students

Mehdi Arabzadeh^{*1}

Abstract

The present research was designed and conducted by the aim of investigating The Role of Self-Construal in predicting social problem solving ability in university students. The present study used a descriptive/correlational method. Population of this study included all students who were studying in the University Kharazmi in the academic year of 2017-2018. Among the statistical population, 325 students were selected by multi-stage random sampling method. The subjects completed Self construal questionnaire of Hardin, Leong & Bhagwat, and social problem solving ability questionnaire of D'Zurilla and Nezu. The data analysis was conducted by using Pearson correlation test and step-by-step multiple regression method in SPSS v23. Results of Pearson correlation test suggested that there is positive and significant relationship between dependent Self-Construal and Independent Self-Construal with social problem solving ability. Results of step-by-step multiple regressions indicated that dependent Self-Construal and Independent Self-Construal could positively and significantly predict students' social problem solving ability. According to research findings, the self-construal factor as a cultural construct should be considered in predicting the students' social problem solving ability.

Keywords: Social Problem Solving Ability, Dependent Self-Construal, Independent Self-Construal

¹ . Assistant Professor of Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. corresponding aure: mehdi_arabzadeh@hotmail.com.